

پیامدهای عادی سازی روابط اسرائیل و بحرین بر جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.3.4.7

زاهد غفاری هاشجین* حسین جندقی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

چکیده

بحرین کشوری در جنوب کشور ایران و حوزه خلیج فارس می باشد و نقشی مهم در معادلات منطقه ای دارد. این کشور پس از استقلال از ایران در سال ۱۹۷۱ همواره به دنبال ارتقاء سطح امنیتی و استقلال خود با توسل به قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است. از طرفی اسرائیل نیز با ایجاد توافقاتی در حوزه خلیج فارس به دنبال تحقق دستاوردهای سیاسی مهم و تأثیرگذار برای خود و به خصوص هم پیمان قدرتمند خویش آمریکا است و برای او و آمریکا این موضوع هدفی مطلوب محسوب می گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره گیری از منابع اسنادی در صدد پاسخ به این سؤال که پیامدهای عادی سازی روابط اسرائیل با بحرین بر جمهوری اسلامی ایران چیست؟ می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بحرین برای کسب حمایت استراتژیک آمریکا و ارتقای جایگاه منطقه ای خود و مقابله با تهدیدات پیش رو به گسترش روابط با اسرائیل روی آورده و اسرائیل نیز برای ارتقای جایگاه منطقه ای، خروج از انزوای دیپلماتیک و شکل دهی جبهه ای در مقابل جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس پرداخته است. بنابراین ضروری است تا با واکاوی دقیق اهداف اسرائیل در عادی سازی روابط با بحرین تدابیر و راهبردهای لازم به منظور خنثی نمودن و حتی مقابله با اهداف خصمانه صهیونیست ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: عادی سازی روابط، اسرائیل، بحرین، جمهوری اسلامی ایران.

* z_ghafari@yahoo.com

** استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

** دانشجوی ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

بحرین پس از استقلال از ایران در سال ۱۹۷۱ همواره به دنبال ارتقاء سطح امنیتی و استقلال خود با توسل به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از طرفی اسرائیل نیز با ایجاد توافقاتی در حوزه خلیج فارس به دنبال تحقق دستاوردهای سیاسی مهم و تأثیرگذار برای خود و به خصوص هم‌پیمان قدرتمند خویش آمریکا است و برای او و آمریکا این موضوع هدفی مطلوب محسوب می‌گردد. اعلام بحرین مبنی بر برقراری روابط کامل دیپلماتیک با اسرائیل این احتمال را تقویت خواهد کرد که کشورهای عربی بیشتری از چنین اقدام مشابه پیروی کنند. اقدام بحرین که یک ماه پس از عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی با اسرائیل صورت پذیرفت، درواقع تعداد کشورهای عربی را که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند را اکنون به ۴ کشور رسانده (مصر سال ۱۹۷۹ و اردن سال ۱۹۹۴) است، که نتیجه آن ایجاد یک آرایش استراتژیک جدید در خاورمیانه است. اما شکل‌گیری روابط حسنه عربی-اسرائیلی نه یک معجزه است و نه نتیجه ماه‌ها دیپلماسی طاقت‌فرسا توسط دولت آمریکا؛ بلکه اسرائیل و رهبران عرب در خلیج فارس سال‌ها است که در حال برقراری روابط بی‌سروصدا بودند. هسته این نزدیکی و اتحاد به‌واقع حس نگرانی و تهدید مشترک نسبت به ایران و گامی در جهت پر کردن خلاء در منطقه به دلیل عقب‌نشینی آمریکا در برخی از بحران‌های منطقه‌ای به دلیل برخی سیاست‌های ریاضت اقتصادی و تمرکز بر قدرت‌یابی چین است (حمزه، ۱۳۹۹). گرم شدن روابط اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس خبر خوشایندی برای آمریکا و اسرائیل تلقی می‌گردد. اما نگرانی همیشگی آمریکا درباره ایران کاهش نیافته است. با پایبندی کامل دولت بایدن به وعده‌های او درباره تمرکز کمتر روی منطقه خاورمیانه پردردسر و تمرکز بیشتر روی کشور چین، کشورهای خاورمیانه متوجه جدی بودن این واقعیت شده‌اند. اسرائیل، عربستان و امارات و بحرین به دلیل نگرانی مشترک از اینکه واشنگتن بیش از حد بر چین و مشکلات داخلی متمرکز شده و ممکن است در رویارویی با جاه‌طلبی‌های ایران، تنش با فلسطینی‌ها یا سایر تهدیدات امنیتی کنار آنها نباشد، روابط تازه‌ای را ایجاد نموده و همه جوانب را در نظر می‌گیرند اما با توجه به تمایل بایدن برای کاهش درگیری‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه، آماده شدن منطقه برای آینده‌ای که آمریکا در آن نقش کمرنگی دارد، لزوماً خبر خوبی برای جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده نمی‌باشد. توازنی که بایدن به دنبال آن

بود در حال شکل گیری است، اما نه طبق شرایط او و نه به شیوه‌ای که به آسانی قابل کنترل باشد، به‌ویژه با توجه به هدف نامطمئن او برای امضای توافق هسته‌ای تازه با ایران. بدیهی است که کنار گذاشتن دشمنی‌های تاریخی توسط کشورهای خاورمیانه تحولی خوشایند است، اما گرم شدن روابط اسرائیل و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس (امارات و بحرین) باعث نمی‌شود که بن‌بست هسته‌ای ایران، یا به‌طور کلی مسائل خاورمیانه، مدیریت پذیرتر شود. به‌رغم تلاش‌های آمریکا برای انتقال اولویت‌های خود به مناطق دیگر، خاورمیانه همچنان دردسری جدی برای ایالات متحده باقی خواهد ماند. پس از روی کار آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا، هیچ تردیدی باقی نماند که تغییر اولویت‌های آمریکا ادامه خواهد داشت. شرکای خاورمیانه‌ای آمریکا به درستی باور کردند که کشورهای دیگری جایگزین آنها شده‌اند و تمرکز بایدن روی چین بر روابطشان با واشنگتن تاثیر گذاشته است.

اخیرا نیز امارات گفتگوهای پیرامون قرارداد ۲۳ میلیارد دلاری خرید هواپیماهای اف ۳۵ با آمریکا را تعلیق کرد، چرا که دولت بایدن محدودیت‌های بسیاری را برای پیشگیری نفوذ چین به حوزه امنیتی امارات اعمال کرد. هم‌زمان، گسترش روابط اسرائیل با چین سبب ایجاد شکاف در روابط آمریکا و اسرائیل شده است. بایدن می‌خواهد از اولویت خاورمیانه به نفع چین بکاهد، اما به‌نظر می‌رسد که خاورمیانه از ترس گرفتار شدن در تنش‌های فزاینده آمریکا و چین، بایدن را از اولویت‌هایش کنار می‌گذارد؛ این رویکرد شامل ایران هم می‌شود. به‌رغم خصومت تاریخی کشورهای خلیج فارس با تهران، کشورهای حوزه خلیج فارس (از جمله امارات) نشان داده‌اند که تمایل ندارند که در باتلاق دشمنی آمریکا با ایران گرفتار شوند و تصادفی نیست که امارات اخیرا مشاور امنیت ملی خود را برای دیدار با رئیس جمهوری ایران اعزام کرده است. عربستان هم ماه‌ها است که درگیر گفتگو با ایران است و دو طرف درباره ازسرگیری روابط دیپلماتیک مذاکره کرده‌اند. همچنین نخستین بار در چهار سال گذشته، شورای همکاری خلیج فارس قرار است با محوریت بهبود شکاف بین عربستان و امارات با قطر نشستی ترتیب دهد.

واقعیت‌های نوین منطقه شامل دولتی اسرائیلی است که نخستین بار در یک دهه گذشته نتانیاهو در راس آن قرار ندارد. نفتالی بنت ضعیف‌ترین نخست‌وزیر تاریخ اسرائیل است که ریاست ائتلافی بزرگ را بر عهده دارد و چه‌بسا همین ضعفش تضمین‌کننده بقای این ائتلاف باشد. هیچ

یک از طرفین این ائتلاف خواهان بازگشت نتانیاهو به قدرت نیستند، بنابراین نوعی تباهی تضمین شده دوجانبه غالب است. دولت از مسائل حساسی مانند فلسطینی‌ها پرهیز می‌کند و ترجیح می‌دهد به تحکیم روابط با کشورهای عربی و حفظ موضع سختگیرانه علیه ایران ادامه دهد. اختلاف بین رئیس جمهور آمریکا و اسرائیل بر سر موضوع آخر است. بنت در مقایسه با نتانیاهو موضع نرمتری در برابر ایران دارد، اما هیچ تردیدی وجود ندارد که بنت مخالف تلاش‌های بایدن برای احیای برجام است و تحریم‌های بیشتر، فشار شدیدتر علیه نیابتی‌های ایران در سوریه و لبنان و آمادگی برای اقدام نظامی معتبر علیه سایت‌های هسته‌ای ایران است.

با این حال، به نظر می‌رسد که بنت به‌خوبی آگاه است که برای رویارویی با ایران به کمک آمریکا نیاز دارد (چه توافق حاصل شود و چه نشود)، اما نگرانی دیرینه در مورد سیاست نرم‌تر آمریکا در برابر ایران دلیل اصلی روی آوردن اسرائیل به بهبود روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس است.

چشم‌انداز عادی‌سازی روابط اسرائیل با امارات و بحرین نقطه روشن بی‌سابقه‌ای در منطقه است. اما این آغاز شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید نیست که در آن سایر اعضای اتحادیه عرب برای صلح با اسرائیل صف بسته باشند. همچنین این به آن معنا نیست که منطقه برای ایالات متحده آمریکا کمتر دردسرساز خواهد شد به‌ویژه تا زمانی که مسئله ایران هنوز حل نشده باشد. هنوز هیچ کشور عربی دیگری از پیمان ابراهیم پیروی نکرده است. پیوستن عربستان به این پیمان امتیاز بسیار ارزشمندی خواهد بود اما به نظر می‌رسد تحقق این هدف بدون پیشرفت در حل مسئله فلسطین ناممکن است. احتمال درگیری جدی دیگری بین اسرائیل و فلسطینی‌ها بسیار بالاست. هم‌زمان، لبنان، لیبی، یمن و سوریه در مراحل مختلف شکست دولت‌ها قرار دارند؛ همچنین ایران و نیابتی‌هایش به اعمال نفوذ گسترده خود ادامه می‌دهند (میلر، ۲۰۲۱).

بیان مسئله

عادی‌سازی روابط اسرائیل و کشورهای عربی در جنوب خلیج فارس زنگ خطر را برای ایران به صدا درآورده است. تهران در سال‌های اخیر از طریق نیروهای دوست در حوالی اسرائیل حضور پررنگی داشته و به نظر می‌رسد اکنون این تل‌آویو است که بیش از هر زمان دیگری ایران را در

محاصره در آورده است.

کاخ سفید در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ میزبان رهبران اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین بود و از عادی‌سازی روابط دو کشور عربی خلیج فارس با اسرائیل خبر داد. مقامات ایران حتی پیش از این نشست به تصمیم کشورهای عربی برای برقراری روابط با اسرائیل واکنش نشان داده بودند. رهبر معظم انقلاب نیز در اول سپتامبر خاطر نشان نمودن که امارات متحده عربی با توافق با اسرائیل به جهان اسلام و فلسطینیان خیانت کرده است. اسرائیل همزمان با تشدید کارزار اعمال فشار حداکثری دولت آمریکا علیه ایران، فرصت را غنیمت شمرده و ایران را در خاورمیانه بیشتر محاصره نموده است. اگرچه اسرائیل در سوریه علیه مواضع ایران، بدون اینکه با انتقاد بین‌المللی مواجه شود، حملاتی صورت داده است، اما به نظر می‌رسد که ایران در حال طراحی استراتژی جدیدی برای پاسخ به تهدیدهای امنیتی اسرائیل است. البته قابل ذکر است که اقدامات اسرائیل علیه ایران «تهدید عملی» به شمار نمی‌روند و صرفاً به تنگ کردن محاصره علیه ایران در خلیج فارس محدود می‌شوند. ایران هم می‌تواند همین سیاست را در سوریه دنبال کند. به گفته استفان والت، محقق روابط بین‌الملل، این سیاست بین تهران و تل‌آویو را می‌شود «توازن تهدید» خواند. توازن تهدید را می‌شود شکل‌گیری اتحاد بین بازیگران از منظری دیگر دانست. طبق نظریه استفان والت، تشکیل این اتحادها پاسخی به تهدیدات خارجی است و اتحادها اساساً برای مقابله با این تهدید شکل می‌گیرند. بر این اساس، هنگامی که از منظر تعادل تهدید به مسئله روابط ایران و اسرائیل می‌پردازیم، می‌توانیم جنبه‌های دیگر این موضوع را نیز کشف کنیم. از یک‌سو، متحدان تل‌آویو در خلیج فارس کشورهای هستند که به برنامه هسته‌ای تهران نگاه منفی داشته‌اند و ادعا می‌کنند ایران امنیت ملی آنها را تهدید می‌کند. همین دیدگاه را می‌توان دلیل اصلی حرکت امارات و بحرین به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل دانست (پایگاه خبری تحلیلی نامه نیوز، ۱۳۹۹/۰۷/۱۵). حال آنکه با توجه به رخدادهای امنیتی حال حاضر در منطقه و عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای حوزه خلیج فارس، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی در صدد پاسخ به این سؤال که پیامدهای عادی‌سازی روابط اسرائیل با بحرین بر جمهوری اسلامی ایران چیست؟ می‌باشد، تا پیامدهای مذکور را بر وضعیت جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

امیدی قلعه محمدی (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل اقدامات امارات متحده عربی و بحرین در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی» با هدف واکاوی اقدامات کشورهای امارات و بحرین در عادی سازی روابط با اسرائیل، در صدد پاسخگویی به این سوال است که دلیل اصلی سوق یافتن دو کشور عربی امارات متحده عربی و بحرین به سوی رژیم صهیونیستی چیست؟ با شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، تحلیل گردیده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ضعف نظامی و سیاسی امارات به عنوان عاملی برای ناتوانی این کشور برای ایفای نقش مهم و تاثیرگذار در تحولات منطقه و همچنین چالش‌های اقتصادی پیش روی بحرین و عدم مشروعیت داخلی و تهدیدات خارجی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل برای این توافق‌نامه است. لذا می‌توان مدعی شد که مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی از مهم‌ترین عوامل در برقراری این صلح سه گانه می‌باشد.

حاتمی (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «تحولات بحرین؛ بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیت جمهوری اسلامی ایران» با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیت جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات کشور بحرین در صدد آن است که با الگوگیری از رهیافت سوم لی نور جی مارتین در مطالعات امنیت ملی کشورهای خاورمیانه و با نظر گرفتن پنج متغیر مستقل دخیل در این رویکرد (ترکیبی از متغیرهای نظامی و غیرنظامی) به تأثیر تحولات بحرین بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بپردازد و با روش توصیفی-تحلیلی، تحلیل گردیده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که فرصت‌هایی همچون تقویت ژئوپولوتیک شیعیان، نفوذ جمهوری اسلامی ایران و توسعه الگوی اسلام سیاسی آن، کمرنگ شدن نقش و حضور بازیگران رقیب و متخاصم و اثبات رویکرد گزینشی آمریکا و اتحادیه اروپا و چالش‌هایی از جمله تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، افزایش تنش‌های قومی و مذهبی، تضاد منافع با کشورهای عربی منطقه، تشدید و تداوم پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی با توجه به تحولات بحرین در پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

آدمی (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی

ایران»، با هدف بررسی پیامدهای ناآرامی و بی‌ثباتی کشورهای حوزه خلیج فارس (بحرین) بر

سطح منطقه و در عرصه بین‌الملل، در صدد پاسخگویی به این سوال است که بحران بحرین چه تأثیری بر امنیت خلیج فارس و جایگاه منطقه‌ای ایران دارد؟ می‌باشد و با روش توصیفی-تحلیلی، تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ایران یکی از کشورهای بزرگ و تأثیرگذار در منطقه می‌باشد که می‌تواند تأثیرپذیری و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتری نسبت به تحولات منطقه‌ای داشته باشد و بحران‌هایی همچون سقوط رژیم بعث عراق و بحران بحرین در میان کشورهای عربی غرب‌گرا با تغییر قدرت بازیگران کنونی منطقه‌ای خلیج فارس (ایران، عربستان و عراق) به افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کمک خواهد نمود.

حزب‌بای و کریمی فرد (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین»، با هدف چگونگی تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر سطح منطقه و شیعیان بحرین، در صدد پاسخگویی به این سوال است تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین چه بوده است؟ می‌باشد و با روش توصیفی-تحلیلی، تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین به علت برخورداری آنان از معیار و شاخصه‌های تشیع تأثیر عمیقی داشته به‌نحوی که منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در بحرین از جمله جنبش اسلامی الوفاق، جنبش آزادسازی بحرین، جنبش زنان مسلمان بحرینی و... گردیده است و درواقع انقلاب اسلامی ایران موجب شد مسلمانان از ایدئولوژی‌های غربی فاصله گرفته و به دنبال تحقق خواسته‌های خود از جمله آزادی، عدالت و... باشند.

الف- تعاریف و چارچوب مفهومی

۱- نقش

نقش، معانی مختلفی را به ذهن تداعی می‌نماید. یکی از رایج‌ترین مفاهیم آن مرتبط با اعمالی است که هر فرد با توجه به پایگاه‌هایی که در جامعه دارد انجام می‌دهد. از نظر والتر کوتو نقش معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). بروس کوئن می‌نویسد: نقش به رفتاری گفته می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را برعهده گرفته است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به صورت بخشی از فرآیند اجتماعی شدن به فرد آموزش داده می‌شود و سپس او آنها را می‌پذیرد (کوئن، ۱۳۸۷: ۸۰).

از نظر لیتون نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اختیار نموده‌اند، داده می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۲۷۱). مفهوم نقش با مفهوم موقعیت اجتماعی نیز رابطه دارد، گرچه باید از آن‌هم متمایز شود. موقعیت، قسمتی از ساختارشناسی سازمانی، جایگاهی در فضای اجتماعی و مقوله‌ای از عضویت سازمانی است. به این ترتیب، نقش بُعدی از فیزیولوژی سازمانی است و نیازمند کارکرد، تطبیق و است. اگر گفته شود شخص موقعیت اجتماعی را اشغال می‌کند، بیان معناداری است، اما اینکه بسیاری می‌گویند کسی نقشی را اشغال می‌کند، درست نیست (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۲۷۰).

۲- نقش و اهمیت منطقه خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به‌عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می‌شود. علاوه بر جایگاه جغرافیایی مهم خاورمیانه، وجود گسترده شاهراه‌های بین‌المللی در این منطقه موجب طمع بیش‌ازپیش قدرت‌های بین‌المللی جهت نفوذ در آن شده است. تنگه بسفر و داردانل در ترکیه، کانال سوئز در مصر، تنگه هرمز در ایران، باب‌المندب در یمن، خلیج فارس، خلیج عدن و... بسان بخشی از اهمیت راهبردی این منطقه لحاظ می‌شود. نگاهی به تحولات تاریخی در یک سده گذشته نشان می‌دهد که بارها قدرت‌های جهانی جهت بسط نفوذ خویش در منطقه زمینه ایجاد بحران را در آن فراهم نموده‌اند. تلاش روس‌ها به‌منظور دستیابی به آب‌های آزاد و در کنترل قرار دادن تنگه‌های حیاتی ترکیه، استعمار طولانی بریتانیایی‌ها در اقصی نقاط خاورمیانه، نفوذ فرانسوی‌ها در منطقه شامات و حضور نوین آمریکا در سراسر خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم همواره موجب بی‌ثباتی در سطح منطقه شده است. منطقه خاورمیانه به‌عنوان قلب اوراسیا به لحاظ ژئواستراتژیکی، محل عبور خطوط زمینی، راه‌آهن و هوایی بخش عظیمی از جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. این منطقه محل عبور ترانزیت هوایی و زمینی میان اروپا و آفریقا با هند و آسیای شرقی محسوب می‌شود که بر ابعاد راهبردی آن می‌افزاید (سلحشور، ۱۳۹۳).

۳- عادی‌سازی روابط اسرائیل و بحرین

توافق‌نامه عادی‌سازی روابط بحرین-اسرائیل که به‌طور رسمی توافق ابراهیم: اعلامیه صلح،

همکاری و روابط دیپلماتیک سازنده و دوستانه نامیده می شود، توافق نامه ای به منظور عادی سازی روابط دیپلماتیک و سایر مسائل بین بحرین و اسرائیل است. این توافق در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ توسط دونالد ترامپ اعلام شد که در ادامه بیانیه مشترکی بود که در تاریخ ۱۳ اوت ۲۰۲۰ توسط ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و امارات متحده عربی تحت عنوان توافق ابراهیم اعلام شده بود. این توافق نامه به طور رسمی در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید واقع در واشینگتن، دی.سی. امضا شد تا بحرین تبدیل به چهارمین کشور عربی بشود که اسرائیل را به رسمیت می شناسد.

ب- پیامدهای سیاسی عادی سازی روابط اسرائیل و بحرین بر جمهوری اسلامی ایران

اخیراً با اعتراضات گسترده مردم بحرین علیه عادی سازی روابط این کشور با اسرائیل، برای سایر کشورهای عربی موضوع اهمیت فلسطین برای افکار عمومی اعراب را تداعی نموده به نحوی که سبب آن شده است که رهبران منطقه پیش از ورود به مسیر عادی سازی روابط با اسرائیل باید آن را مورد توجه قرار دهند.

امارات متحده عربی و بحرین، به عنوان دو کشور نخست عربی عضو پیمان ابراهیم (Abraham Accords)، به دلیل برقراری روابط رسمی با تل آویو با موج چشمگیری از تهدیدات داخلی و منطقه ای مواجه شده اند. خطرات پیمان ابراهیم برای بحرین بسیار بیشتر از اماراتی است که از ثبات سیاسی و ثروت بیشتری برخوردار است. به گفته رایان بوهل، تحلیلگر مسائل خاورمیانه در مرکز مشاوره ریسک استراتفور/راین، موقعیت بحرین در پیمان ابراهیم کاملاً منحصر به فرد است، «چون این پادشاهی در چشم بخش بزرگی از مردم آن نامشروع می باشد». در مقایسه با امارات، بحرین جامعه مدنی قوی تری دارد جامعه ای که از دیرباز به آرمان فلسطینی ها اهمیت داده است. دکتر الهام فخرو، کارشناس دانشگاه اگستر انگلیس می گوید که از سال ۱۹۴۷ تاکنون، مردم بحرین در تمام رویدادهای مربوط به فلسطینی ها مانند طرح سازمان ملل برای تقسیم فلسطین، جنگ های عرب-اسرائیل، محاصره و بمباران بیروت توسط اسرائیل و حمله به نوار غزه به خیابان ها آمده اند و از مردم فلسطین حمایت کرده اند. دکتر کریستین اولریچسن، کارشناس

مسائل خاورمیانه در موسسه بیکر می‌گوید: «اعتراضات و تظاهرات سیاسی در بحرین رویداد تازه‌ای نیست، اما از نگاه برخی مقامات این کشور اضافه شدن منبعی دیگر از نارضایتی به ترکیب قابل احتراق کنونی خوشایند نیست، به‌ویژه که این نارضایتی تازه ظرفیت گسترش شکاف‌های فرقه‌ای و سایر شکاف‌ها در کشور را دارد». به گفته اولریچسن «بحرین همواره در سیاست‌های داخلی خود از یک گرایش پان عرب و اسلامی قدرتمند برخوردار بوده است. اعتراضات مردم بحرین در مراحل اولیه منازعه اعراب و اسرائیل و اعتراضات اخیر نشان می‌دهند که این مسئله قدرت بسیج آن در میان طبقات مختلف شهروندان بحرینی را حفظ کرده است». به‌رغم خطرات داخلی، به‌نظر نمی‌رسد که منامه از مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل بازگردد. بحرین به‌عنوان تنها عضو شورای همکاری خلیج فارس که تاکنون از تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک با ایران خودداری کرده، به‌شدت نگران چیزی است که مقامات منامه آن را تهدیدی جدی از سوی تهران علیه امنیت خود می‌دانند. بحرین که اسرائیل را در نبرد با برنامه‌های سیاست خارجی ایران شریکی مهم می‌داند خواهان ایجاد روابط نزدیک‌تر با تل‌آویو است. این گرایش به‌ویژه پس از خروج واشنگتن از افغانستان و گسترش نگرانی‌ها از تعهدات واشنگتن نسبت به منطقه تقویت شده است. همچنین به‌رغم تداوم انتقاد مقامات آمریکایی از نقض حقوق بشر توسط منامه، عادی‌سازی روابط با اسرائیل و دسترسی به سازمان‌های یهودی در آمریکای شمالی می‌تواند وجهه منامه در واشنگتن را بهبود بخشد. با توجه به تلاش آمریکا و اسرائیل برای پیوستن شمار بیشتری از کشورهای عربی به پیمان ابراهیم، باید گفت که دولت‌های عربی منطقه با یک دوراهی مواجه هستند: پیروی از امارات و بحرین برای چشم‌پوشی از مسئله فلسطین در ازای عادی‌سازی روابط با اسرائیل یا «ادامه حمایت از راهکار صلح عربی». آن دسته از کشورهای عربی که در سال گذشته به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداختند اکنون به‌دنبال بهره‌مندی از روابط رسمی نوین با اسرائیل هستند. اگر به‌طور کلی از مردم و کشور فلسطین چشم‌پوشی کنیم، می‌توانیم بفهمیم که چرا دولت‌های عربی به‌دنبال ایجاد روابط با اسرائیل هستند. این دولت‌ها می‌توانند در تمامی زمینه‌های -نظامی، تجاری، سرمایه‌گذاری، فناوری، انرژی، کشاورزی، گردشگری، آموزش و پرورش و... از روابط با اسرائیل که ثروتمند است، دارای تحصیلات بالا و نوآور است، سود ببرند. اما مشکلی که پیش‌روی دولت‌های جهان عرب قرار دارد این است که مردم بسیاری از این کشورها

از مسئله فلسطین چشم پوشی نخواهند کرد و اعتراضات اخیر بحرین درستی این ادعا را ثابت می کند. با این حال، واشنگتن تلاش خواهد کرد در محدود کردن پیامدهای ثبات زدای عادی سازی روابط با اسرائیل به دولت بحرین و سایر دولت های عربی خواهان پیوستن به پیمان ابراهیم کمک کند. این مساعدت واشنگتن به این دلیل انجام می شود که سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا با نگاه به تجربه کشورهای عضو کنونی پیمان ابراهیم برای پیوستن به این پیمان تشویق شوند. همان طور که اعضای دولت بایدن بارها گفته اند، گسترش پیمان ابراهیم یکی از اهداف این دولت برای خاورمیانه است (جورجیو کافیرو، ۲۰۲۱). در نتیجه آمریکا و اسرائیل در منطقه خلیج فارس به طور ویژه در تلاش هستند با توجه به فرصت به وجود آمده با جلوه دادن ایران به عنوان تهدیدی امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس را با خود در این موضوع همراه خود نمایند.

ج- پیامدهای اقتصادی عادی سازی روابط اسرائیل و بحرین بر جمهوری اسلامی ایران

با نگاهی به اقتصاد بحرین، ارقام رسمی نشان می دهد که کسری تجاری پادشاهی در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ به ۴۸۵ میلیون دینار (۱,۲۹ میلیارد دلار) کاهش یافته است. گزارش مرجع اطلاعات و دولت الکترونیکی بحرین که در سال گذشته منتشر شد، نشان داد که کسری تجاری ۱,۴ درصد در مقیاس سالانه کاهش یافته است. کسری تراز تجاری (نشان دهنده تفاوت صادرات و واردات) برای بحرین در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۹ به میزان ۴۹۲ میلیون دینار (۱,۳۱ میلیارد دلار) ثبت شده است. به علاوه این کشور از نظر منابع نفتی کمترین بازده را در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارد و روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام استخراج می کند. ارزش دینار بحرین نیز به دلیل کاهش ذخایر پولی خارجی و همچنین افزایش بدهی به حدود ۷۰ درصد کاهش یافته، و این در حالی است که کسری بودجه به یک سطح بی سابقه افزایش یافته است. در واقع بحرین تلاش دارد تا با استفاده از ظرفیت های شرکت های پیشرفته اسرائیلی، تسلیحات، انرژی های تجدیدپذیر و جذب توریست و سرمایه گذار اقتصاد آشفته خود را به سرمنزلی نیک برساند. به گفته برخی از تحلیلگران، احتمالاً سایر کشورهای عربی در به رسمیت شناختن اسرائیل از بحرین و امارات متحده عربی پیروی می کنند که سودان و عمان نامزدهای بالقوه برای اجرای سناریوی بعدی هستند. اما تصمیم بحرین به دلیل روابط نزدیک

و وابستگی آن به همسایه بسیار بزرگتر خود، عربستان سعودی، متحیرکننده است. به اندیشه تحلیلگران، حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین، هرگز بدون رضایت سعودی ها اقدامی نمی کند، در حقیقت نتیجه این گام بلند می تواند منجر به هموار کردن مسیر عادی سازی روابط سعودی-اسرائیلی باشد که عربستان سعودی قبلاً گام های نمادینی در این جهت برداشته است مانند اجازه دادن به پروازهای تجاری اسرائیل برای استفاده از حریم هوایی آن.

رئیس جمهور سابق آمریکا (ترامپ) سعودی ها را در قلب دیپلماسی خود در خاورمیانه قرار داده بود و اولین سفر ریاست جمهوری وی نیز در سال گذشته به ریاض، پایتخت عربستان بود. او از مذاکره در مورد فروش اسلحه چند میلیارد دلاری به پادشاهی مباحثات نموده و از ولیعهد سعودی محمدبن سلمان در برابر شواهدی مبنی بر دستور وی برای ترور وحشیانه جمال خاشقجی، معارض سعودی دفاع نمود. سعودی ها نیز با تصمیم رئیس جمهور سابق آمریکا برای انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس اشغالی همراه شدند و آنها مانند سایر کشورهای عربی بسیار کمتر از گذشته به آرمان فلسطین پایبند هستند.

ایجاد مزاحمت و فشار علیه منافع ایران یک اولویت فوری تر از دامن زدن به خصومت اعراب در طول دهه ها نسبت به اسرائیل است. این تحول یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل توسط عربستان سعودی جایزه ای گرانبها با توجه به وزن این کشور در جهان عرب خواهد بود که دارای ازشی به سان توافق نامه کمپ دیوید یا اسلو است. به گفته ناظران، اسرائیلی ها هدف دیگری برای عادی سازی روابط کامل خود با بحرین را دنبال می کنند و این کشور در حال دستیابی به توافق با عربستان سعودی، کشور بزرگ خلیج فارس و از جمله یکی از تأثیرگذارترین ها در جهان عرب و اسلامی است که توافق بحرین تنها گامی در این جهت تفسیر می شود (حمزه، ۱۳۹۹).

د- پیامدهای امنیتی عادی سازی روابط اسرائیل و بحرین بر جمهوری اسلامی ایران

اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس پس از توافق نامه صلح اسلو بین اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ ارتباطات آزمایشی خود را آغاز کردند. پس از آن مراکز مأموریت های تجاری را در پایتخت های یکدیگر افتتاح کردند، اگرچه بسیاری از آنها پس از تشدید درگیری های اسرائیل و فلسطین در انتفاضه دوم، که در سال ۲۰۰۰ آغاز شد، بسته شدند.

این روابط در دهه گذشته قوی‌تر شده است، زیرا اسرائیلی‌ها و اعراب خلیج فارس به یک هدف مشترک بر سر ایران رسیدند، که هر دو طرف آن را تهدید جدی برای امنیت ملی خود قلمداد می‌کنند. در این راستا در سال ۲۰۱۵، امارات متحده عربی به اسرائیل اجازه داد تا در کنفرانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر در ابوظبی حضور دیپلماتیک برقرار کند. قطر با اسرائیل همکاری کرده است تا آتش‌بس را در غزه که تحت سلطه حماس است برقرار کند. سلطنت عمان در سال ۲۰۱۸ میزبان نخست وزیر رژیم صهیونیستی بنیامین نتانیاهو بود، این اقدامات جملگی در راستای تعریف جدید این کشورها از امنیت خود و نیاز به ایجاد تغییرات راهبردی صورت پذیرفت. از نقطه نظر کشورهای حاشیه خلیج فارس، اسرائیل گزینه مناسبی برای جلوگیری از کاهش نقش ایالات متحده در منطقه خواهد بود و همچنین یک شریک تجاری ثروتمند که دارای اقتصادی با فناوری پیشرفته است که می‌تواند برای موازنه‌سازی علیه ایران به آنها کمک شایانی کند. از نظر اسرائیل نیز، برقراری روابط حسنه با کشورهای عرب خلیج فارس انزوای این رژیم را کاهش و راهی برای مقابله با فشار فلسطینی‌ها برای مذاکره درباره یک کشور جدید است، زیرا حمایت اعراب هم‌ردیف اصلی این کارزار طولانی مدت بوده است.

از سویی بحرین ایران را نه تنها به عنوان یک تهدید استراتژیک منطقه‌ای بلکه تهدیدی وجودی برای رژیم خود می‌داند. بیش از ۶۰٪ از مردم بحرین مسلمان شیعه هستند که در بهترین حالت این شهروندان را برانداز و در بدترین حالت ستون پنجم ایران محسوب می‌شمارد. آنها باعث نگرانی دستگاه امنیت داخلی بحرین و زیرساخت‌های ساخته شده توسط افسر انگلیسی یان هندرسون، مسئول سرکوب شورش مائو در کنیا در دهه ۱۹۵۰ است. این فرد به دلیل شکنجه و سایر موارد نقض حقوق بشر که گفته می‌شود تحت فرماندهی وی رخ داده است، از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۹۸ ریاست اداره کل تحقیقات امنیت دولتی را بر عهده داشت و به عنوان «قصاب بحرین» شناخته می‌شد. شیعیان در بحرین با تبعیض و آزار و اذیت نهادی روبه‌رو هستند و مشارکت آنها در نهادهای دولت بسیار کمتر از سهم جمعیتی آنهاست، آنها از مقامات عالی دولتی و نظامی کنار گذاشته می‌شوند و یک مخالف سیاسی فعالی هستند که به دنبال برابری هستند.

هنگامی که اعتراضات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، این فعالان شیعه بودند که میدان

امنیتی بودند، ابتدا نیروهای امنیتی بحرین و در مرحله بعد عربستان سعودی وارد عمل شدند. طبق برخی تخمین‌ها، صدها نفر در این اعتراضات کشته، هزاران نفر زخمی و هزاران نفر دیگر دستگیر شدند، برای منامه وجود چنین تهدیدی و لزوم اجرای سیاست‌های مهارکننده و سرکوب این نیاز را در دستگاه اجرایی کشور زنده کرده که عادی‌سازی روابط با اسرائیل در تبعیت از سایر کشورهای عرب به سود منافع امنیت ملی و کلان استراتژیک این کشور خواهد بود و این گامی است در جهت تحقق اهدافی بلندمدت (حمزه، ۱۳۹۹).

اماراتی‌ها نیز اکنون دلایل دیگری برای برداشتن این گام مهم داشتند. هدف تسهیل عقد قرارداد برای خرید تسلیحات پیشرفته آمریکایی یکی از دلایل عمده عادی‌سازی و شرط اساسی بوده است مانند خرید جنگنده‌های 35-F، هواپیماهای بدون سرنشین Reaper و هواپیماهای EA-18G Growler.

همچنین اقدام بحرین در عادی‌سازی روابط امکان تامین امنیت آسمان بحرین با مبادرت خرید سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته از ایالات متحده فراهم می‌کند، همچنین بحرینی‌ها در تلاش هستند تا امنیت خود را با امنیت خلیج فارس گره بزنند و در محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ولو اندکی بازی کنند (حمزه، ۱۳۹۹).

یک وب‌سایت یمنی نیز در گزارشی به بررسی معانی مشارکت رژیم صهیونیستی در رزمایش مشترک در بحرین با مشارکت آمریکا پرداخته است. به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، اخیراً ناوگان پنجم دریایی آمریکا مستقر در بحرین در توییتی در این زمینه نوشت که «بزرگ‌ترین رزمایش دریایی منطقه خاورمیانه» با عنوان (2022 CM / IMX) در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۲ (دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۰) در بحرین انجام و در این رزمایش، ۹ هزار پرسنل، ۵۰ فروند کشتی جنگی از بیش از ۶۰ کشور جهان و سازمان بین‌المللی حاضر گردیدند. ارتش رژیم صهیونیستی هم در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ در رزمایش دریایی با مشارکت آمریکا، عربستان سعودی، مصر، امارات، بحرین و عمان در دریای سرخ حضور یافت. وب‌سایت «الخبر الیمنی» در گزارشی در همین باره نوشت، انجام این رزمایش در زمان سختی که متحدان آمریکا در منطقه پس از حملات اخیر صنعا به امارات (ابوظبی) می‌گذرانند، چیزی جز گسترش مبنای ائتلاف موسوم به «ائتلاف عربی» نیست ۱۰۰ ائتلافی که عربستان سعودی در مارس ۲۰۱۵ با مشارکت ۱۷ کشور علیه یمن به راه انداخت و

دست‌آورد قابل توجهی در سطح دستور کارهای آمریکا در منطقه نداشت. در ادامه این گزارش آمده، صرف‌نظر از هدف رزمایش که بر اساس پیش‌بینی‌ها بیشتر از یک علمیات برای نظامی کردن آب‌های یمن و تشدید محاصره علیه این کشور جنگ‌زده با هدف به زانو درآوردن آن نیست، این روزها فشار بیشتری بر یمن برای آزاد کردن کشتی توقیف شده اماراتی وجود دارد کشتی‌ای که حامل تجهیزات نظامی در آب‌های منطقه‌ای ساحل غربی یمن در حال حرکت بود؛ این بُعد مربوط به تشکیل «ائتلاف سنی شامل کشورهای عربی و اسرائیل برای مقابله با اردوگاه شرق و ایران است». الخبر الیمنی افزود، علی‌رغم آنکه آمریکا تحت عنوان‌های مختلف از جمله تاسیس اتحادیه کشورهای دریای سرخ متشکل از هفت کشور مصر، سودان، جیبوتی، یمن، سومالی، اردن و عربستان نتوانست به آن دست پیدا کند اما هم‌زمانی رزمایش مشترک کنونی آمریکا با طرف‌های یاد شده نشان می‌دهد واشنگتن این بار مصمم به انسجام متحدان خود در منطقه از جمله تل‌آویو است خصوصاً آنکه حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران نزدیک است و نفوذ روسی-چینی در منطقه افزایش پیدا کرده است. در ادامه این گزارش آمده، اقدام آمریکا در برگزاری مانور مشترک با وجود آنچه دومین مانور مشترک با حضور رژیم صهیونیستی در منطقه به‌شمار می‌رود در چارچوب آماده‌سازی برای عادی‌سازی گسترده روابط با عربستان سعودی صورت می‌گیرد به‌ویژه آنکه پیش از انجام مانور، اقدامات گسترده رسانه‌ای در کشورهای حاشیه خلیج فارس و فلسطین اشغالی به راه افتاد که هدف آن «تلاش برای به تصویر کشیدن تهدیدات مشترک ایران و محور مقاومت بود» تا مردم هر دو طرف را از نظر روانی آماده عادی‌سازی روابط با اسرائیل کنند. الخبر الیمنی تأکید کرد، موضوع جدیدی در رزمایش مشترک کنونی جز مشارکت عربستان سعودی در کنار رژیم اسرائیل در این رزمایش وجود ندارد و این در راستای گسترش روابطی است که با عبور هواپیمای حامل «اسحاق هرتزوغ» رئیس رژیم اسرائیل از فراز سعودی و تغییراتی در پرچم این کشور در آمادگی برای اعلام رسمی عادی‌سازی روابط آغاز شده است اما موضوع مهم‌تر آن است که رزمایش مذکور هم‌زمان با اعلام ارتش آمریکا مبنی بر آغاز پروازهای هوایی در آسمان یمن آغاز شده و این نشان می‌دهد آمریکا پس از اثبات شکست متحدان خود در خلیج فارس به‌دنبال آن است که سکان فرماندهی را به دست بگیرد به امید آنکه به برگ نفوذی دست پیدا کند؛ این نشان‌دهنده میزان هراس آمریکا و رژیم صهیونیستی از قدرت رو به افزایش محور مقاومت (ایران

و یمن و...) است (تحریریه دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

اکثر جمعیت کشور بحرین را شیعیان (حدود ۶۰ درصد) تشکیل داده‌اند و با توجه به اعتراضات گسترده مردم این کشور علیه عادی‌سازی روابط این کشور با اسرائیل، موضوع اهمیت فلسطین برای افکار عمومی اعراب و سایر کشورهای عربی بیش‌ازپیش مورد واکاوی قرار گرفته و سبب آن شده است که رهبران منطقه پیش از ورود به مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل آن را مورد توجه قرار دهند. بحرین، اسرائیل را در نبرد با برنامه‌های سیاست خارجی ایران شریکی مهم می‌داند و خواهان ایجاد روابط نزدیک‌تر با این کشور بوده و این گرایش به‌ویژه پس از خروج آمریکا از افغانستان و گسترش نگرانی‌ها از تعهدات آمریکا نسبت به منطقه تقویت شده است. همچنین به‌رغم تداوم انتقاد مقامات آمریکایی از نقض حقوق بشر توسط منامه، عادی‌سازی روابط با اسرائیل و دسترسی به سازمان‌های یهودی در آمریکای شمالی می‌تواند وجهه منامه در واشنگتن را بهبود بخشد. از طرفی کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه امارات و بحرین که در سال‌های گذشته به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداختند اکنون به‌دنبال بهره‌مندی از روابط رسمی نوین با اسرائیل و بهره‌مندی از تمامی زمینه‌های نظامی، تجاری، سرمایه‌گذاری، فناوری، انرژی، کشاورزی، گردشگری، آموزش و پرورش و... از کشور اسرائیل می‌باشند.

اما از طرفی دیگر مردم بسیاری از کشورهای جهان عرب از مسئله فلسطین چشم‌پوشی ننموده و اعتراضات اخیر بحرین درستی این ادعا را ثابت می‌کند. با این حال، با توجه به اعلام اعضای دولت بایدن که یکی از اهداف آمریکا برای خاورمیانه گسترش پیمان ابراهیم (عادی‌سازی روابط با اسرائیل) ذکر نموده‌اند، آمریکا تلاش خواهد نمود تا با محدود کردن پیامدهای ثبات‌زدای این عادی‌سازی روابط با اسرائیل به دولت بحرین و به پیوستن سایر دولت‌های عربی به پیمان ابراهیم مساعدت ویژه‌ای نماید. از طرفی دیگر ایران در منطقه، برخلاف اسرائیل، بیشتر مورد قبول عموم کشورهای عربی می‌باشد و درواقع از نفوذ بیشتری در منطقه و به‌خصوص محور مقاومت برخوردار است. اما اسرائیل اخیراً مورد پذیرش ضمنی نخبگان حاکم در کشورهای عربی قرار گرفته و از مدت‌ها پیش به‌دنبال عادی‌سازی روابط و نفوذ در پوشش فعالیت‌های اقتصادی و... در منطقه و

جایگزین نمودن مسئله درگیری مسلمانان و یهودیان با درگیری ایران و عرب و به دنبال ایجاد جو ناامنی در منطقه به منظور نیل به اهداف خود می باشد. بنابراین با توجه به عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای حوزه خلیج فارس و حضور مرموزانه و برنامه های مدون صهیونیست ها در رسیدن به اهداف خصمانه این رژیم در پوشش پیمان های اقتصادی و... و نفوذ در منطقه، ضروری است که جمهوری اسلامی ایران تدابیر و اقدامات لازم را به منظور خنثی نمودن نیت های شوم دشمنان این مرز و بوم به خصوص آمریکا و اسرائیل در منطقه را اتخاذ نماید.

فهرست منابع

- ۱- میلر، آرون دیوید (۲۰۲۱)، بایدن و دردسر ایران و اسرائیل، خبرنامه پولیتیکو، ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی، شماره ۱۱.
- ۲- آدمی، علی (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی وزارت علوم ISC، شماره ۶۲، صفحه ۱۴۱-۱۶۸.
- ۳- امیدی قلعه محمدی، زینب (۱۳۹۹)، «تحلیل اقدامات امارات متحده عربی و بحرین در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی»، سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- ۴- پایگاه خبری تحلیلی نامه نیوز، خبرنامه ریسپانسیبل استیت گرفت، ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی، شماره ۳۴ تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵.
- ۵- تحریریه دیپلماسی ایرانی (۱۴۰۰)، معانی پیوستن تل‌آویو به «ائتلاف عربی» به فرماندهی آمریکا.
- ۶- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- ۷- کافپرو، جورجیو (۲۰۲۱)، خبرنامه ریسپانسیبل استیت گرفت، ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی، شماره ۱۱ تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۲.
- ۸- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «تحولات بحرین؛ بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی وزارت علوم ISC، شماره ۸، صفحه ۱-۲۶.
- ۹- حزب‌وای، خالد و حسین کریمی فرد (۱۳۹۵)، «نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین»، فصلنامه علمی پژوهشی وزارت علوم ISC، شماره ۱۸، صفحه ۱۸۹-۲۰۶.
- ۱۰- حمزه، حسن (۱۳۹۹)، اهداف و پیامدهای عادی‌سازی روابط بحرین و اسرائیل، تحریریه دیپلماسی ایرانی شماره ۱۲.
- ۱۱- سلحشور، محمدحسین (۱۳۹۳)، اهمیت جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خاورمیانه در جهان سیاسی امروز، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، تهران.
- ۱۲- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات نی.
- ۱۳- کوئن، بروس (۱۳۸۷)، مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی، تهران، سمت.